

معرفی و تحلیل کتاب:
جامعه و سیاست در جهان در حال توسعه نوشته مهرا
کامروا^۱
روح الله گلمرادی*

این کتاب ویرایش دوم "جامعه و سیاست در جهان سوم" است. نویسنده کتاب را در راستای تغییرات عمده در سیاست جهانی و مسائل سیاسی و اجتماعی جهان در حال توسعه گردآوری نموده است.

کتاب دربرگیرنده موضوع‌های محوری زیر و مفاهیم مرتبط با آن‌ها می‌باشد:

- توسعه صنعتی: نظریه وابستگی و جهانی‌شدن. نقش‌های به طور فزاینده مهم صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) و دیگر موسسات چندملیتی
- شهرنشینی: افزایش کودکان خیابانی، روسپیگری، ساخت و سازهای غیرقانونی و ظهور افراد و احزاب سیاسی پوپولیست در شهرهای مرتبه دوم مورد غفلت حکومت
- تغییر اجتماعی و پیامدهای سیاسی تغییر اجتماعی: تاثیر فزاینده ارزش‌ها، سرمایه و نهادهای غربی

1- Kamrava, M. (2000) *Politics and Society in the Developing World*, second edition, London: Routledge

مهرا کامروا استاد سابق ایرانی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیه نورتریج و رئیس مرکز مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی دانشکده خدمات خارجی دانشگاه جرج تاون در قطر است. حوزه کار وی علوم سیاسی و اجتماعی است و نویسنده کتاب‌های دموکراسی در توازن، سیاست انقلابی، تاریخ سیاسی ایران مدرن، انقلاب در ایران، ریشه‌های آشفتگی و درک سیاست تطبیقی و ... می‌باشد.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، ص. ۱۷۹-۱۸۲

- فرهنگ سیاسی: نقش و تاثیر آن در کشورهای به تازگی دموکرات شده در حال توسعه
- انقلاب
- دموکراتیزاسیون: شامل تحلیل‌هایی از سازمان‌های جامعه مدنی و سازمان‌های غیرحکومتی (NGOs)، جامعه مدنی، "جامعه سیاسی"، فروپاشی دولت، چانه‌زنی‌های دموکراتیک و گذار، انسجام و تثبیت و مسائل مشروعیت، انتخابات و سیاست چندحزبی
- نمونه‌های بیشتر از آفریقا، آسیای شرقی و جوامع روستای (کامروا، ۲۰۰۰: ص ۱).

بخشی از پیشگفتار نویسنده:

«سال‌ها پیش ناتوانی خودم در یافتن پاسخی قانع‌کننده برای این پرسش آزارم می‌داد که "چرا دموکراسی در جهان در حال توسعه غایب است". هرچه بیشتر به دنبال پاسخ می‌گشتم، معما پیچیده‌تر می‌شد. پاسخ‌های سطحی - همچون رهبران حریص، میراث‌های انحراف‌یافته و چرخش‌یافته، فرهنگ‌های اقتدارگرا و ... - به صورت تکرار مکرراتی که از قبل هم وجود داشتند، به مثابه پاسخ‌های قانع‌کننده یکی پس از دیگری به ذهن می‌آمدند. در فضای سیاسی بررسی کردم اما اجتماعیات را به طرز الزام‌آوری مهم‌تر دیدم. فضای اجتماعی را کاوش کردم عرصه فرهنگی را تفکیک‌ناپذیر یافتیم. عرصه فرهنگی را مورد کنکاش قرار دادم، دریافتم که تحلیل عرصه فرهنگی بدون توجه به فضاهای سیاسی و اجتماعی پوچ و بی‌ارزش است» (ص: X).

رویکرد کامروا در این کتاب توجه همزمان و تعاملی به ابعاد مختلف توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در حیات کشورهای در حال توسعه می‌باشد. بندهای زیر گزیده‌هایی از فصل‌های کتاب می‌باشند:

فصل اول: نظام‌ها و فرایندهای سیاسی در حال توسعه با نشانه‌هایی از توسعه سیاسی جانب‌دار و یک‌سویه مشخص می‌شوند. به استثنای دموکراسی‌های اخیر، نهادینه‌شدن سیاسی همچنان برقرار است اما کوره راه‌ها و پیوندهای بین دولت و جامعه بسیار تنگ و محدوداند (ص: ۲۴)

فصل دوم: پیامدهای ملموس توسعه صنعتی با نتایج چشمگیر و نیروی مهارنشده شدت می‌یابند. در میان بسیاری از تغییراتی که کشورهای در حال توسعه، به دلیل در حال توسعه بودن‌شان متحمل می‌شوند، تغییرات منتج از "نوسازی" و "توسعه فناورانه" اگرچه لزوماً از نظر سیاسی و اجتماعی مهمترین عوامل نیستند، به مراتب بیش از همه قابل توجه می‌باشند (ص: ۵۴).

فصل سوم: شهرنشینی با مجموعه‌ای از مشکلات بنیادی ساختاری‌ای همراه است که اکثر حکومت‌های جهان از مواجهه شایسته و بسنده با آن عاجزند. این مسائل عبارتند از جریان ظاهراً بی‌پایان مهاجرت‌های روستایی به مادرشهرهای اصلی، سکونت‌گاه بعدی‌شان در اقامت‌گاه‌های غیرقانونی پراکنده در پیرامون شهرها، و نقش‌شان در نرخ‌های ناموزون رشد جمعیت و درجات مختلف شهرنشینی در یک کشور (ص: ۸۸).

فصل چهارم: همبستگی مستقیمی بین تغییر اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی وجود دارد. رابطه بین این دو موضوع بیشتر از همه در کشورهای درحال توسعه، به علت مشخصات خاصی که جوامع و ساختارهای سیاسی آن‌ها را مشخص می‌کند، مسلم‌تر است. تغییر اجتماعی منجر به دگرگونی^۱ ارزش‌هایی می‌شود که در سرتاسر جامعه شایع‌اند (ص: ۱۱۵).

فصل پنجم: فرهنگ سیاسی، حلقه پیوند بین سیاست و جامعه می‌باشد، واسطی که از طریق آن این دو تعامل می‌کنند و متصل می‌شوند. آن جنبه از فرهنگ که مخصوصاً با سیاست درگیر می‌شود، موضوعات و ترتیبات سیاسی خاص و یا میدان گسترده‌تر سیاست به طور کلی می‌باشد. در بررسی فرهنگ سیاسی غیردموکراسی‌های جهان درحال توسعه با وجود تنوعی که دارند، یک عامل همواره برجسته است. قطع‌نظر از خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که خاص هر کشوری می‌باشند، در سرتاسر جهان درحال توسعه، اغلب به طور یک‌سان پیوند ضعیفی بین دولت و جامعه برقرار است (ص: ۱۴۶).

فصل ششم: انقلاب‌ها، رویدادهای چندبعدی‌ای هستند که برخاسته از تاثیر و تاثرات فرایندهای توسعه‌های متمایز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشند (ص: ۱۸۱).

فصل هفتم: نیروهای فرهنگی عناصر مهم گذار به دموکراسی هستند، چه قبل از این که فرایند گذار به حرکت درآمده یا پس از اینکه گذار تکمیل شده باشد یا در هر دو مرحله. گذار و انتقال دموکراتیک موفق، به سادگی با چانه‌زنی‌ها و مذاکرات آرام و با احتیاط پایان نمی‌یابد، ولو آن که موسسات دولتی در قصدشان برای ترک قدرت به نفع گروه‌های برخاسته از جنبش‌های توده‌ای، صادق باشند (ص: ۲۰۵).

نتیجه‌گیری کتاب

جهان در حال توسعه یک میدان نبرد است. میدان نبرد نیروهایی است که رودرروی یکدیگر، خشن در مبارزه و دست خالی و بی‌حالی در دفاع از خود می‌باشند. جایی است

که رخ داده‌ها دائما افشاگری می‌نمایند و خودشان را حل می‌کنند و در قلب مجموعه نیروها و پویایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سرزمین و ساکنانش را زخمی و جریحه‌دار می‌کنند؛ عرصه‌ای است پویا، تغییرپذیر و در تراوش و جریان مداوم (ص: ۲۰۹).

این تغییرات پیچیده است که جهان در حال توسعه را برای دانشوران و مشاهده‌گران، معماگونه و برای ساکنان آن کشورها سرشار از عدم قطعیت و آزمایش و آزمون می‌کند. جهان در حال توسعه با شتابی بیشتر از آن که دانشگاهیان و متخصصان قادر به فهم و نظریه‌پردازی درباره آن باشند، و حتی سریع‌تر از این که مردمش قادر باشند با صورت‌های اجتماعی-سیاسی و فرهنگی زودگذرش خو بگیرند، تغییر می‌پذیرد. در ضمن، شماری از نیروها، با فراوانی و شدت بی‌وقفه پدیدار می‌شوند. نظام‌های سیاسی ظهور و اضمحلال می‌یابند. پروژه‌های صنعتی به راه انداخته می‌شوند، تجدیدنظر و منسوخ می‌شوند و دوباره به راه انداخته می‌شوند. جمعیت‌ها جابه‌جا می‌شوند و گرایش به سوی مراکز موجود دارند. ارزش‌های پسندیده به تمسخر گرفته می‌شوند و بی‌ارزشی‌ها و هرزگی‌ها تمجید می‌شوند. مذاهب و پیامبران سیاسی می‌آیند و می‌روند و مردم طغیان می‌کنند و مجدد سرکوب می‌شوند و همه این‌ها به نام "دولت‌سازی" و کوشش‌های اجتناب‌ناپذیر رشد و توسعه ملی تمام می‌شوند (ص: ۲۰۹).

پس‌لرزه‌های دردناک رخ داده‌های جهان در حال توسعه بیش از همه در عرصه سیاسی به آشکارا خود را نشان می‌دهد. اگرچه ظهور دموکراسی با دستاوردهای مهمی در ثبات و پرورش سیاسی همراه بوده، عمده عرصه سیاسی در مناطقی مثل کشورهای جنوب صحرائی بزرگ آفریقا، خاورمیانه و آسیای مرکزی هنوز با خشونت و بی‌ثباتی، طمع‌ورزی و فساد، مال‌پرستی و کینه‌توزی مشخص می‌شود. تا به امروز، دشمنی‌های قومی و قبیله‌ای دیرینه، به باره پاره شدن بسیاری از ملت‌ها تداوم بخشیده و مردم‌شان را از طریق گروه‌بندی‌های نژادی، قبیله‌ای و زبانی از هم جدا و مجزا می‌کند. با وجود این که فرایند دولت‌سازی ممکن است برای بیشتر بخش‌ها، به نظام‌های از نظر ساختاری ماندنی حیاتی دوباره داده باشد، چنین دولت‌هایی در ابداع طرز اداره کارآمد نیروهای گریز از مرکز خوردکننده و فشارآور از میان قرن‌ها شکاف و گسستگی، ناتوان مانده‌اند. نیجریه دهه ۱۹۷۰ یا لبنان دهه ۱۹۸۰ دیگر ممکن نیست به حالت معمول برگردند، اما کش و قوس‌های وفاداری‌های غیردولتی هنوز به اندازه کافی برای جرقه اعتراضات توده‌ای در مرگ یک شخصیت برجسته قبیله‌ای یا سخنان تند یک رهبر جدایی‌طلب به قوت خود باقی است (ص: ۲۰۹).